

فاصله طبقاتی و معلم

از طرف دفتر معاونت وزیر آموزش و پرورش اعلام شد که تنبیه بدنی و روحی دانش آموزان ممنوع است در حالی که باید بدین گونه اصلاح شود که تنبیه بدنی و روحی دانش آموزان بی نتیجه است و قطعاً نتیجه عکس می دهد. اگر منظور شما این است که در دانش آموز تغییر رفتاری ایجاد کنید مطمئن باشید به منظور خود نخواهید رسید بلکه دانش آموز لجباجت کرده و کردار بد خود را شدیدتر خواهد نمود و کلاس شما نه این که آرامتر نخواهد شد که شلوغ تر هم می شود و معلم را به تمسخر خواهند گرفت و وساطت معاون و رئیس مدرسه وضع را بدتر خواهد نمود و دانش آموزان هم به این نتیجه می رسند که معلم قدرت اداره کلاس را ندارد. در هر کلاس معمولاً یک یا چند دانش آموز وجود دارد که به دلایل مختلف (جلب توجه، کسب اعتبار، ایجاد خنده در کلاس و ...) کارهای ناشایست انجام می دهند که معلم را عصبانی نماید برای رفع این عصبانیت معلم به چند روش متوسل می شود از جمله متلک پرانی، توهین لفظی، تنبیه بدنی و اخراج شاگرد از کلاس (این آخری برای خودش فرایندی دارد که شلوغی را چند برابر می کند) اول این که مدیر و ناظم را عصبانی می کند که سکوت آنها را به هم ریخته و زحمت آنها را باعث شده است حالا باید مواظب باشند که شاگرد اخراجی از کلاس از مدرسه بیرون نرود و با پیشخدمت های مدرسه درگیر نشود و یا هر اتفاق غیر قابل پیش بینی دیگری که بعضی وقتها موجب نقص عضو و جراحات وارد به دانش آموز می شود و در دوسرهای به وجود می آورد که آن سرش ناپیدا!! و یا به راحتی کلاس را ترک می کند و می رود با کلاسی که ورزش دارد همبازی می شود. پس ۱- چه باید کرد؟ شاگرد نا

به هنجار را در کلاس تحمل کنیم؟ این وضع موجب اعتراض سایر شاگردها شده که می گویند ما به مدرسه نیامده ایم تا وقتمان تلف شود. اما از نگاه دیگر این که دو گروه کلاس را شلوغ می کنند ۱- پولدارها ۲- ناواردها. پولدارها برای این کلاس را برهم می زنند که نه نیاز به مدرک دارند و نه مزایای حاصل از مدرک!! (به یکی از اینها که با اتومبیل شخصی و موبایل و لباس آنچنانی به مدرسه می آید و کلاس را می خنداند، گفتم چرا به مدرسه می آیی؟ گفت: با اصرار پدر و مادرم و استفاده از معافیت تحصیلی و گر نه من به دیپلم احتیاج ندارم و جانی هم نمی خواهم استخدام شوم. ناواردها که به علت فقر غذایی و عوامل دیگر معمولاً کم استعداد هستند و از درس و معلم هم چیزی نمی فهمند و مشغول شیطنت هستند و برای اینکه جلوی پولدارها به اصطلاح کم نیاورند دست به کارهایی می زنند که جلب توجه کنند خنده های بی جا و صدا در آوردن بی موقع (از حیوانات اهلی گرفته تا غیر اهلی) اینها هم اهل درس نیستند می ماند چند نفری که ای ... می خواهند درس بخوانند تا از قبل ان در آینده لقمه نانی برای اهل و عیال خود ببرند. حالا تصور کنید معلم در این کلاس چه باید بکند؟ درس بدهد؟ تکالیف را ببیند؟ نیازهای روانی این سه گروه را برآورده کند؟ و یا... در کلاسهای ۴۰ ۵۰ نفری که دو کلاس را یکی کرده اند (نه مانند قدیم ها که شاگردها دو کلاس را در یک سال می خواندند و تمام می کردند) بلکه استاندارد کلاس ۲۰-۲۵ نفر است ولی به علت عدم وجود کلاس و معلم به اندازه کافی یک معلم به جای دو معلم کار می کند بل بیشتر و اگر نتوانست در این و آن کلاس را آرام نگه دارد او را به طور غیر قانونی در اختیار منطقه می گذارند و اگر



گلایه ای نماید او را از محل خدمتش تبعید می کنند مثلاً از سندج به روستاهای طارم؟! و اما نتیجه این تئاتر کمیدی و درام این می شود که بچه ها چه عرض کنم جوانان از دوران مدرسه بهترین خاطره ها را با خود می برند چون تفریحگاه ندارند کلاس درس بهترین محل تفریح است. و یک عمر با خاطراتش زندگی می کنند. ۲- چه باید کرد؟ متلک پرانی که بچه ها دیگر مجوز شلوغ کردن را گرفته اند و مرتب به ساختن متلک های نو می پردازند و حواسشان به جای درس به این امر جلب می شود و سر رشته درس و امور از دست معلم خارج می شود و دیگر آن معلم به درد آن مدرسه نمی خورد. ۳- چه باید کرد؟ توهین، این دیگر به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، این به آن معنی است که سایر روشها قابل توجیه است و بهترین دستک به دست شاگردها می افتد و شکایت به مدیر و ناظم می برند که این معلم به پدر و مادر ما توهین کرد (در حالیکه زنگهای تفریح یا ورزش فحش هایی به هم می دهند که حتی به ذهن معلم هم خطور نمی کند)

است و از یکی از آشنایان پزشک گواهی هم می گیرند حالا شما بفرمایید که این معلم اگر سکنه نکند چه کند؟ ولی یک روش چاره کار است. آن این که معلم شاگردانش را دوست بدارد و یا حداقل این نقش را بازی کند و به آنها محبت نماید و عشق بورزد این هم از هر کسی ساخته نیست با مشکلات عدیده ای که معلم دارد از جمله مسکن و تورم و سایر گرفتاری هایی که هیچ کس پاسخگو نیست.

عباس معارفی زنجانی
پیشکسوت تشکل های صنفی

۴- چه باید کرد؟ تنبیه بدنی، این ملو تراژدی کلاس ادامه دارد که معلم را کلافه می کند که او مجبور شود یک تلنگری به آنها بزند. درست نقش جنازه را بازی می کند و سایر شاگردان هم نقش پرستار و رساندن این جنازه به درمانگاه و بیمارستان و دیگری با تلفن همراه با ۱۱۰ و ۱۱۵ تماس می گیرد و همگی مواظبند تا ببینند عکس العمل معلم چیست و تمام استعداد بازیگری خود را بکار می گیرند. این طوری هم می شود که بعضی از اولیا مدعی می شوند بر اثر تنبیه بدنی معلم فرزندشان ضربه مغزی شده

وضعیت بهداشتی و روانی، رفاهی مدارس ایلام

استفاده می شود که بارها خطر آفرین بوده اند. به اعتقاد نگارنده عمده ترین دلایل رکود بهداشتی و روانی مدارس به شرح زیر است:

۱. نبود نیروی متخصص و کارآمد تحت عنوان مربیان بهداشت در سطح مدارس
۲. ناچیز بودن سرنانه ی بهداشتی، روانی و رفاهی دانش آموزان که سرنانه بهداشتی مدارس در سال به ازای هر دانش آموزان ۴۰ تومان یعنی حدوداً روزی یک ریال. از همین جا اهمیت بهداشت از نظر مسئولان و برنامه ریزان را می توان فهمید. آیا می توان اصول مطروحه در قانون اساسی را تحقق بخشید و سلامت بهداشتی و روانی دانش آموزان را تأمین کرد؟
۳. هماهنگ نبودن برنامه های صدا و سیما با اهداف دراز مدت بهداشت مدارس که هنوز نتوانسته است در این امور نقش ملی و فرهنگ ساز خویش را ادا نماید.
۴. عدم پخش تیزرهای تبلیغاتی بهداشتی در صدا و سیما
۵. عدم توجه مسئولان برخی آموزشگاه ها به رعایت بهداشت به دلیل ضعف در بودجه، انگیزه، نظارت.
۶. آگاهی والدین از پیامدهای رفتارهای صحیح یا غلط بهداشتی ضعیف یا ناقص است.
۷. نحوه آموزش و انتقال رفتارهای بهداشتی توسط اولیا به فرزندان و مدرسه به دانش آموزان به درستی هدایت نمی شود و هماهنگی بین این دو وجود ندارد.
۸. تهیه و پخش فیلم های بهداشتی و آموزش بهداشت در دستور کار مدارس قرار گیرد و مراکز ستادی در تهیه و توزیع مدارس را یاری نمایند.

برای رفع مشکلات فوق پیشنهادات زیر ارائه می گردد. الف: افزایش سرنانه ی آموزشی بهداشتی مدارس در سطح قابل قبول. ب: امکان بهره گیری تمام مدارس از مربیان بهداشت متخصص. ج: تقویت کلینیک های بهداشتی فرهنگیان و استخدام روان شناسان، روان کاوها و پزشک های متخصص و معرفی دانش آموزان به آن مراکز جهت درمان. د: آموزش صحیح به اولیای دانش آموزان و تذکر خطرات احتمالی عدم رعایت موازین بهداشتی. علی رحیمی - ایلام

مطابق اصل سوم، بیست و نهم و چهل و سوم قانون اساسی ایران تأمین سلامت آحاد جامعه به عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار گرفته است. اما برای تحقق این اصول در شهرهای محروم اقدامات قابل توجهی صورت نگرفته است. جوامعی که معیارها و شاخص های بهداشتی و روانی، فردی و اجتماعی را در سطح قابل قبولی به عنوان یک اصل کلی در زندگی روزمره برگزیده اند، بی شک از جوامع پیشرفته محسوب می شوند. در کشورهای در حال توسعه، امروزه پایه های بهداشت با دور نمایی هدفمند طراحی شده و در برنامه های اجرایی مورد تأکید قرار گرفته است. در کشور ما علی رغم افزایش سطح سلامت و امید به زندگی افراد جامعه هنوز با چالش های بزرگی در مسیر ارتقای سطح بهداشت خصوصاً بهداشت مدارس مواجه هستیم. ناهماهنگی سیاست های تدوین شده با امکانات موجود، موازی کاری، واگذاری امر بهداشت به سازمان ها و افراد غیر متخصص، توجه به کمیت به جای کیفیت اختلال های پیش روی بهداشت قرار داده است اما جالب است بدانید در ایلام تعداد مربیان بهداشت مرتبط با رشته تحصیلی در مدارس وجود دارد و از ۸۷ مدرسه تنها ۵ مدرسه دارای مربی بهداشت و ۲۳ مدرسه توسط نیروهای غیر متخصص (مازاد سایر رشته ها) امور بهداشتی آن ها اداره می شود و مابقی مدارس و حتی شهرستان ها و بیش از ۲۸۰ مدرسه راهنامه ای و متوسطه شهرستان ایلام فاقد مربی بهداشت هستند. متأسفانه در بسیاری از دبیرستان ها و مدارس دخترانه از آقایان به عنوان خدمتگزار استفاده می شود و با توجه به وضعیت دخترها و شروع سن تکلیف و عدم آموزش صحیح لزوم سطل آشغال در سرویس های بهداشتی و مایع دستشویی کاملاً حس می شود. وضعیت روانی دانش آموزان به مراتب بدتر از وضعیت بهداشتی می باشد. وضعیت رفاهی و امکانات مدرسه نظیر امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی، کتابخانه و نمازخانه ها رضایت بخش نیست و امکانات آموزشی و بهداشتی عادلانه توزیع نشده است. از نظر امکانات گرمایشی و سرمایشی نیز می توان گفت: اکثریت قریب به اتفاق مدارس فاقد امکانات سرمایشی هستند و بیش از ۴۰ درصد مدارس نایمن، کلنگی و فاقد وسایل گرمایشی هستند و هنوز هم از بخاری نفتی و علال دین برای گرم کردن کلاس

نامه ای به نماینده مجلس

حذف معلم ورزش و هنر در سه سال ابتدایی

علمی دنیا را قبول کنیم یا حذف تربیت بدنی و هنر را؟ بار درخت علم ندانم به جز عمل با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری مشکل آموزش و پرورش هزینه های ملی و اجرای کامل قانون بر طرف نخواهد شد. انرژی کودکان و نوجوانان و جوانان و حتی بازنشستگان به هدر می رود. باید برای سلامت جامعه هزینه کرد. قناعت در فرهنگ و بهداشت، نابودی جامعه است. جناب نمایندگان محترم، فرهنگیان در درازگاه و پوست خود لمس می کنند. شما که برای کسان این مرز و بوم دور هم جمع شده اید اصل را در معنویت و عدالت می دانید این چنین برخوردی با کسان یک ملت بالاخص فرهنگیان و بازنشستگان عادلانه و قانونی است؟ شما نمایندگان مردم می باشید مواردی که جامعه ی فرهنگیان شاغل و بازنشسته رانج می دهد به شرح زیر است: ۱- نداشتن شخصیت اقتصادی و بی حرمتی از طرف برخی مسئولان آموزش و پرورش ۲- دو یا سه کاره بودن معلمان به خاطر فقر، اعمال تبعیض با سایر سازمان ها ۳- تصمیم گیری و صادر کردن بخشنامه های غیر فنی و تخصصی در آموزش و پرورش ۴- عدم وجود فرهنگیان واقعی در کارهای کلیدی ۵- نمایندگان عزیز اول خط فقر را مشخص کنید بعد لایحه ی مدیریت خدمات کشوری رایگیری نمایند. ۶- اقتصاد دانان عزیز شما مدارج تحصیلی خود را از آسمان آورده اید؟ یا پشت همین نیمکت های آموزش و پرورش و به دست همین مربیان و معلمان تعلیم و تربیت به دست آورده اید؟ چرا وقتی قانون نظام هماهنگی مطرح می شود شما می فرمایید بار مالی دارد. عجب! انقربیانفت از ۵ دلار به ۷۰ دلار رسیده است. چرا برای حقوق و مزایای خود و آقایان هیچ موقع، چه در جنگ، چه در فقر و چه در بلاهای آسمانی، خوشی و ناخوشی این ملت بار مالی نداشته است؟ ۹- صندوق ذخیره فرهنگیان کجا سرمایه گذاری می شود؟ به چه کسانی پرداخت می شود؟ ببینید چه روزگار خوبی را برای بازنشستگان معلمان و مستمری بگیران این آب و خاک به وجود آورده اند. صدای مان را به خاطر این بی عدالتی ها با منطق و قانون به گوش قانون گذاران در مجلس و مجریان قانون ریاست جمهوری (اصل ۱۱۳) عدالت پرور می رسانیم. همه باید دست در دست هم در آبادانی و فرهنگ این مملکت کوشا باشیم. اگر می خواهیم ایران از گزند دشمنان داخلی و خارجی در امان باشد باید از انحصار طلبی و خود محوری و مال اندوزی و ترجیح منافع فردی بر جمع پرهیز کرد. به امید روزی که آسایش و آرامش با اجرای قانون و توزیع عادلانه ثروت باعث شادی آحاد ملت گردد.

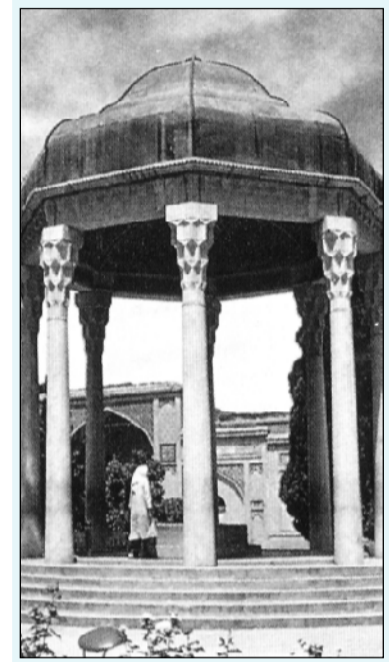
محمد ذاکر قرآن دبیر بازنشسته دزفول

نماینده مجلس شورای اسلامی جناب آقای سید احمد آوایی و نمایندگان محترم با سلام موضوع حذف معلم تربیت بدنی و هنر در ابتدایی و نادره گرفتن اصل ۳ و ۳۰ و ۴۳ قانون اساسی. ورزش و هنر از اصول آموزش و پرورش می باشد بدین صورت که تمام متخصصین علوم پزشکی، تربیتی، ورزشی و پیراپزشکی در دنیا به این نتیجه رسیده اند که تربیت فیزیکی و روانی بدن از دوره ی جنینی شروع و تا پایان عمر ادامه دارد. نبوغ و خلاقیت در سنین ۹ تا ۱۶ سالگی می باشد. حال سؤال این جاست که چرا و با چه علم و قانون و تخصصی عملاً معلم تربیت بدنی و هنر را از پایه ابتدایی حذف کرده اند و فقط اکتفا به سال چهارم و پنجم نموده اند که آن هم تأمین نیرو و هزینه نمی شود و مدرسه در صورت نیاز خود تأمین نیرو و هزینه از طرف خانواده ها کند. آیا درست است که هزینه مربی ورزش و هنر و قرآن را هم چون ابواب و ذهاب و اماکن تفریحی و ورزشی را اولیا پرداخت نمایند؟ طبق قانون اساسی اصل ۶۷ و ۸۴ و ۸۸ نمایندگان حافظ و نگهبان قانون اساسی می باشند و پس چرا و چه کسانی می توانند اصل ۳ و ۳۰ و ۴۳ قانون اساسی را (تحصیل و تربیت بدنی رایگان تا درجات عالی) به این راحتی و بایک بخشنامه زیر پا گذارند و ایجاد مشکل نمایند و آب از آب تکان نخورد! این نمایندگان محترم سؤال می شود که چه وقت شما از کس و یا وزیر ی طرح استیضاح می فرمایید؟ کسی که قانون اساسی را زیر پا می گذارد؟ آیا عدم اجرای قانون اساسی اهانت به ارگان های ذی ربط نمی باشد؟ چرا قانونی که به نفع مردم است اجرائی می شود؟ خلاصه ای از معایب این نوع بخشنامه ها که جای قانون را گرفته اند در زیر می آید:

- ۱- حذف معلمان ورزش در دوره ی ابتدایی ۲- منع نیروی حق التدریس معلم ورزش و هنر و قرآن در دوره ی ابتدایی ۳- معلمان دروس به جای مربی ورزش و هنر ۴- مشکل معلمان دروس با معلمان ورزش و هنر به خاطر ۴ ساعت اضافه کار معلمان ۲۰ سال سابقه کار به بالا ۵- بایک امتحان ورودی نمی توان مربی دروس را به مربی تربیت بدنی و هنر یا بالعکس تبدیل کرد. چنین طرح هایی با این نوع بخشنامه ها جز گرفتاری برای آحاد ملت حاصلی ندارد. اگر معلمان دروس دوره ی کارآموزی ورزش و هنر را ببینند آیا درست است که در کنار تدریس دروس در هفته ۲ ساعت هنر و ۲ ساعت ورزش تدریس کنند؟ در حالی که مربی ورزش ۲۴ ساعت در هفته تدریس می نماید. ۷- به خاطر هزینه نکردن مربیان حتی سیستم کامپیوتری را نتگ نظرانه تنظیم کرده اند! شورای نویسندگان مجله ی ورزش و ارزش و زیور ورزشی به شماره ۸۵ اردیبهشت ۸۵ را به اتفاق آقایان بخشنامه نویس مطالعه نمایند و بفرمایند که اصل ۳ و ۳۰ و ۴۳ قانون اساسی و مطالب

نماینده گئی فروش قلم معلم در ورامین - شهرک رضی فرهنگیان - خ شهید مفتح - پلاک ۲۹ کتابفروشی قلم - تلفن: ۰۹۱۲۵۹۱۸۴۹۳۰-۰۲۹۱۱۲۲۶۷۰۷

معرفی شیراز به عنوان شهر ادبی جهان



آموزش نیوز- مسئولان فارس برای بررسی انتخاب شیراز به عنوان دومین شهر ادبی جهان کار گروهی را به ریاست معاون سیاسی امنیتی استانداری فارس تشکیل دادند. زاهد زاهدانی رئیس بنیاد فارس شناسی در نشست اخیر کار گروه، گزارشی به ضمیمه مستندات ادبی شیراز برای یونسکو را به اطلاع اعضای کار گروه رساند. شیراز برای کسب عنوان شهر ادبی جهان از شانس بالایی برخوردار است و با توجه به مستندات موجود بطور قطع سازمان یونسکو شیراز را به عنوان شهر ادبی جهان انتخاب خواهد کرد. زاهدانی افزود: شرایط جغرافیایی موقعیت میراثی فرهنگی و آثار گذشتگان موقعیت صنایع دستی و فرهنگی و موقعیت اجتماعی آموزشی از جمله شاخص های مطرح شده از سوی یونسکو برای کسب عنوان شهر ادبی جهان است. با توجه به قابلیت ها و مدارک موجود به احتمال زیاد شیراز به عنوان شهر ادبی جهان برگزیده خواهد شد.

گلی از گلستان سعدی

حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر بر محل خطر است یا دزد به یکبار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر چشمه ی زاینده است و دولت پاینده و اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولست. هر جا که رود قدر ببند و در صدر نشیند و بی هنر لقمه چیند و سختی ببند.

وقتی افتادفته ای در شام
روستا زادگان دانشمند
پسران وزیر ناقص عقل

هر کس از گوشه ای فرافتند
به وزیری پادشاه رفتند
به گدایی به روستا رفتند

تقویم زبان

۸۶

طرح و تألیف: فریدون فریدونی
(برای اولین بار در ایران و جهان)

این تقویم ابتکاری نمی گذارد عمر شما بیهوده بگذرد

آموزش زبان انگلیسی از طریق تقویم

کتاب های منتشر شده از مجموعه تقویم زبان:

۱- تقویم زبان عمومی (آموزش لغات و اصطلاحات عمومی)

۲- تقویم زبان مکالمه (آموزش مکالمه زبان)

۳- تقویم زبان دانش آموز (آموزش لغات و اصطلاحات

راهنمایی و دبیرستان) قیمت هر جلد: ۷۵۰ تومان

۲۰٪ تخفیف برای خرید بیش از ۳۰۰ جلد

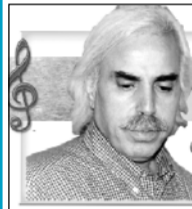
تلفن های مرکز پخش و فروش: ۰۹۱۲۴۲۶۱۲۳۳-۰۹۱۲۴۴۳۳۶۷۰

۵۵۳۱۹۲۷۵

امثال و حکم دهخدا

● آب آبادانی است، آب مایه ی فزونی کشت و بسیاری مردم است.
● آب از دستش نمی چکد، بسیار ممسک است.
● آب برای من ندارد نان که برای تو دارد، گویند وقتی حاجی میرزا آقاسی به حفرفقانی امر داده بود. روزی که به بازدید جاه هارفت مقنی اظهار داشت که کندن قنات در این جایی حاصل است چه این زمین آب ندارد. حاجی جواب داد: ابله که توئی! اگر آب برای من ندارد، نان که برای تو دارد.
● آب که سر بالا می رود قورباغه

به یاد بابک بیات



چهل روز پیش قلب تندیس موسیقی فیلم ایران، بابک بیات نازنین در پی عارضه ی کبدی به آرامش رسید. بابک بیات که روحیه ای شاعرانه داشت مدت ۴ دهه آهنگساز پرکار سینمای ایران بود و در تعدادی از دانشگاه های تهران تدریس موسیقی می کرد. اما راز موفقیت انسان هایی از این دست تنها این نیست که عاشقانه کارشان را دوست دارند و آن را بلند آنچه جایگاه ویژه ای به این اشخاص می دهد روحیه ی مردمی و انسانی آنهاست که ناشی از درک والایی است که از ارزش های انسانی دارند. در ارتباط با وقایع مربوط به مرگ این هنرمند دو نکته قابل تذکر است. اول آنکه هنوز هم قانون کپی رایت در کشور ما به جایی نرسیده و عده ای به راحتی شیره ی جان هنرمندان را به یغما می برند و اشخاص برتر از خود را به بیگاری می کشند دیگر اینکه بسیاری انسان های ارزشمند دیگر هم هنوز هستند که به پیوند اعضا نیاز دارند. اگر می خواهید کمکی کنید به یاد استاد بابک بیات به سایت ehda.com www.iran سری بزنید. بابک بیات روحش با موسیقی اش صعود کرد و یادش در دل ها جاودانه ماند. اگر برایش دلننگید به موسیقی اش گوش دهید. این نوای قلب اوست که می نوازد. یادش گرمی باد.

نامه به نوشیروان

بزرگمهر، به شیروان نوشت که خلق
هنرمند دقت انصاف مرا سیاه کنند
نر شاه، خواهش امنیت و رفاه کنند
اگر که قاضی و مقنی شوند سفله و دزد
شهان اگر که به تعمیر مملکت کوشند
دروغگو و بداندیش مرا گناه کنند
چه حاجت است که تعمیر بارگاه کنند
بسمع شه نرساند حاسدان قوی
چرا کنند که اندر دسترنج مسکینان
تقلبی که ضعیفان دادخواه کنند
چرا به مظلمه افزون به مال و جاه کنند
بپوش چشمه ز پرند و عجب، کاین دوشربک
چو کج مروی تو، بپویند دیگران مره مرست
بر آن سر بند، که تا فرصتی تباہ کنند
چو جای خود نشناسی، به حیلہ مدعیان
به لشکر خرد و مرای و عدل و علمه گرای
ترا خراج بلندی، به قعر چاه کنند
سیاه اهرمن، اندیشه زین سیاه کنند
بترس تر آه ستدیدگان، که در دل شب
جواب نامه ی مظلوم مرا، توخوش فرست
نشسته اند که نرفرن به پادشاه کنند
بسا بود، که دبیرات اشتباه کنند
اثر آن شرار که روشن شود نر سوتر لولی
نر مار، که به دست تو چون سپرد سپهر
به یک اشاره، دو صد کوه مرا چو گاه کنند
به کار خلق، چرا دیگران نگاه کنند
هنرمند دزد، کمین کرده اند بر سر مرا
اگر به دقت حکام، ننگری یک مروی
چنان مباش که بر موبک تو مراہ کنند

سخنان بزرگان درباره ی "قضاوت"

آن که بینیای عیوب خود شد از دیدن عیوب مردم کور می گردد.
حضرت علی (ع)
از بهترین اختیاری که در دست داری و می توانی اظهار کنی این است که در قضاوت عدالت پیشه کنی و بین خاصه و عامه بالسویه حکم نمایی.
(عقد النفیس)
اگر وجود خار در گل مایه ی اندوه ماست، وجود گل در کنار خار باید مایه ی شادی ما باشد.
بگذارید هر کس بر وفق رای، فکر، آرزو، مطالعات و معلومات خود قضاوت کند نه طوطی صفت بازگوی گفته ی

وعده ی سرخرمن

معلماشادی کنید کف بزیند که یار
بزار میره، یمین میاد
بزرگ نمیر بهار میاد
حقوقاتون اضاف میشه شادی
کمبیزه با اختیار میاد
بیشمار میاد
کانون زنوپامی گیره
محکم میشه جامی گیره
بسته ی پول و اسکناس نه یک
هزار هزار میاد
حق شماها می گیره
مثال آقا زاده ها، یمین و از یسار میاد
بزرگ نمیر بهار میاد
بزرگ نمیر بهار میاد
کمبیزه با اختیار میاد
کمبیزه با اختیار میاد
تو حق جذب خودته از دست اونها
یکسان میشه کل حقوق
باشافتک و شیپور و بوق
می گیری
اگر تا وقتی که میدن، زنده بمونی
مشکت می گرده پر دوغ
نمیری
پول ها قطار قطار میاد
آسین و بالا میزنی برای بچت زن
بزرگ نمیر بهار میاد
می گیری
کمبیزه با اختیار میاد
بخت او هم بیدار میشه جهیز قطار
یه روزی خونه دار میشی
قطار میاد
صاحب اختیار میشی
بزرگ نمیر بهار میاد
مالک کسب و کار میشی
کمبیزه با اختیار میاد
درست میشه بر جستگی
میره زن ها خستگی
الگو میشه شایستگی
بچه تو هم غصه نخور
شاید خوری یه روزی سر
بزرگ نمیر بهار میاد
کمبیزه با اختیار میاد
تعاونی درست میشه
پایه ی تبعیض سست میشه
رشوه که سس و مس میشه
«کاظم کمالی از شیراز»

فال هفته (حافظ شیرازی)

سحر که مرهروی در سرزمینی
همی گفت این معما با قرنی
که ای صوفی شراب آنگه شود صاف
که در شیشه بر آمد امرعینی
خدا نران خرقه بنزارست صد بار
که صد بت باشد در استینی
مروت گگر چه نامی بی نشان است
نیازی عرضه کن بر نامزینی
ثواب باشد ای دامرای خرمن
اگر مرجمی کنی بر خوشه چینی
نمی بیند نشاط عیش در کس
نه در مان دلی نه در مرد دینی
درون ها تیره شد باشد که اثر غیب
چراغی بر کند خلوت نشینی
گر انگشت سلیمانی باشد
چه خاصیت دهد نقش نگینی؟
اگر چه مرسمه خوان تدخوئست
چه باشد، سگر سائرد با غمینی؟
ره میخانه بنما تا پیرمه
مال خویش مرا از پیش بینی
نه حافظ مرا حضور در خلوت
نه دانشمند مرا علمه البقینی

نماینده های قلم معلم در سراسر کشور

۱۱. ۰۹۱۴۱۱۵۲۸۱۶، تربت حیدریه: غلامرضا احمدی ۱۲. ۰۲۲۹۲۹۷۷، خمینی شهر: سید مجتبی ابطحی ۱۳. ۰۹۱۷۱۷۱۶۰۲۵۷، دماوند: حبیبی ۱۴. ۰۹۱۲۶۳۰۹۴۱۶، دهدشت: جمشید عزیزی ۱۵. ۳۲۲۶۱۸۷، رشت: یدالله بهارستانی ۱۶. ۰۹۱۱۱۳۵۸۲۶۹، زنجان: محمد انصاری ۱۷. ۰۹۱۲۵۴۲۷۰۱۳، سقز: محمد شاهد علوی ۱۸. ۳۲۳۴۹۸۶، سنندج: پیمان نودینیان ۱۹. ۰۹۱۸۳۷۳۲۳۱، شوشتر: عارف رویشدزاده ۲۰. ۰۹۱۶۳۰۷۳۷۰۷، شهرضا: حمید رحمتی ۲۱. ۰۹۱۳۲۲۲۱۵۵، شهرکرد: نبی الله باستان ۲۲. ۰۹۱۳۱۸۳۴۹۱۸، شیراز: هاشم سماجت ۲۳. ۰۹۱۷۷۰۳۸۶۴۹، قشم: عبدالله تقی پور اشکاه ۲۴. ۰۹۱۸۸۹۶۶۰۶، قزوین: اسماعیل کبوتری ۲۵. ۰۹۱۲۶۸۱۸۰۲۱، قلعه حسن خان: اکبری پروشه ۲۶. ۰۹۳۲۹۲۱۴۳۴۰، قوچان: علی مولوی ۲۷. ۰۹۱۵۳۸۱۲۶۳۲، قم: رکن آبادی ۲۸. ۰۹۱۲۲۵۲۰۴۷۷، کاشان: کاظم یوسفی ۲۹. ۰۹۱۳۲۶۲۱۹۴۱، کوهدشت: کیانوش رستمی ۳۰. ۰۹۱۲۳۵۰۳۶۶۵، کرمانشاه: محمد توکلی ۳۱. ۰۹۱۸۳۳۰۲۶۱۶، کرمان: هوشنگ بنی اسدی ۳۲. ۳۳۱۷۶۹۱، کرج: عبدالرحمان ایران نژاد ۳۳. ۰۲۶۱۴۴۴۴۸۳۵، لاهیجان: قنبر توحیدی ۳۴. ۰۹۱۱۱۴۴۷۰۱۸، نکا: حسینعلی حسین پور ۳۵. ۰۵۶۲۸۴۸۰۳۵، مشهد: هادی لطفی نیا ۳۶. ۰۹۱۵۵۱۹۹۳۳۲، نائین: علی غفرانی ۳۷. ۰۹۱۳۲۲۳۰۷۲۷، همدان: یوسف رفاهیت ۳۸. ۸۳۵۱۴۵۷، یزد: محمدعلی محمدحسن شیرازی ۳۹. ۷۲۱۴۵۹۷-۰۹۱۳۳۵۰۰۷۱، سبزوار: حسن عزیززاده باغانی ۴۰. ۰۲۶۶۳۳۷-۴۰، اهواز: منوچهر روستا ۴۱. ۵۵۴۱۳۲۸، ساری: علی نظری ۴۲. ۰۹۳۵۴۵۲۵۱۴۱

نمایندگان فروش در تهران

۱- شمال تهران - محمد خاکساری ۰۹۱۲۱۰۹۰۲۹۳- جنوب تهران - علیرضا اکبری ۰۹۳۲۹۲۷۸۹۵۹- غرب تهران - حمید پوروثوق ۰۹۱۳۷۰۰۱۱۴- شرق تهران - جهانبخش صیدی ۰۹۱۲۶۰۱۶۱۳۳- ۵- منطقه ۴ تهران - سیدمحمد باقری ۰۹۱۲۱۷۲۲۲۰۶- ۶- منطقه ۷ تهران - علی اکبر باغانی ۰۹۱۲۶۷۰۱۵۵۹- منطقه ۹ تهران - علی بختیاری ۰۶۶۲۲۸۴۰۰- منطقه ۱۰ تهران - سعیدالدین متولی ۰۹۱۲۳۸۷۰۲۳۴- ۹- منطقه ۱۵ تهران - اسد... جواد پور ۰۳۳۸۷۹۹۵۴- منطقه ۱۵ تهران - منتجبی ۰۹۱۲۵۵۹۲۰۳۹- منطقه ۱۹ تهران - بهرام اکبری ۰۹۱۲۱۹۴۳۰۷۴- ۱۲- شهرک اندیشه- شاه مرادی ۰۳۵۲۲۶۶۱-۰۲۶۲

سازمان توزیع هفته نامه رضا خاکسار ۰۹۱۲۴۴۶۹۱۹۶

توزیع کننده با تجربه فرهنگی جهت توزیع هفته نامه در تهران مورد نیاز است
۱. آبادان: آریانمهر ۰۲۴۴۶۰۶۲۲، اصفهان: یدالله شعبانی ۰۶۲۷۹۲۲۲ همراه ۰۴۶۳۰۹۱۳۳۱۵۵۰۴۶۳، آستانه ی اشرفیه: غلامحسین ذکری ۰۹۱۱۱۴۲۵۴۸۴، اهر: محمد قهرمانی همراه ۰۹۱۲۶۴۲۴۳۲۵، اردبیل: محمد پرستار ۰۹۱۴۴۵۴۰۷۱۷، ارومیه: عبدالرحمان وصفی ۰۹۱۴۳۸۸۵۱۸۶، ازنا (لرستان) پوره ۰۹۱۶۳۴۴۱۳۸۶، ایلام: علی رحیمی ۰۹۱۸۳۴۱۸۶۹۵، بجنورد: شیخ نژاد ۰۹۱۵۳۸۴۲۱۸۵، تبریز: غلامحسین جعفری زاد

معلمان: آقای رئیس جمهور به استان ما هم بیایید!

معلمان: آقای رئیس جمهور به استان ما هم بیایید!

معمولا قبل از رفتن رئیس جمهوری و هیات همراه به استان ها خصوصیات آن استان را برای ایشان توضیح داده و تشریح می کنند ما نیز می خواهیم مشکلات و خواسته های استان معلمان را خدمت ایشان عرضه داریم.

استان معلمان ایران با بیش از یک میلیون جمعیت و وسعتی به پهنای کشور (و شاید بیش از آن)، با سواد ترین استان ایران است. نقش اساسی این استان تربیت و اداره ۱۵ میلیون کودک، نوجوان و جوان این آب و خاک است که اگر هر دانش آموز در یک خانواده ۴ نفره زندگی کند تقریبا حدود ۶۰ میلیون نفر بصورت مستقیم و غیر مستقیم تحت پوشش فکری استان معلمان می باشند. از آنجا که تمامی جمعیت یک میلیون نفری این استان مشغول کارند، این استان فعالترین استان کشوری می باشد. که تولیدات آن فکری، اندیشه ورزی، انسان سازی، توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی است. نیمی از جمعیت این استان رازنان فرهیخته و باسواد و نیم دیگر را مردان متخصص و مومن تشکیل می دهد که همگی به آموزش، پرورش و تربیت مشغولند. ۱۵۰ هزار نفر از این جمعیت مدیرانی هستند که هر یک به طور متوسط صد نفر را مدیریت می نمایند آن هم مدیریت علمی، انسانی، آموزشی و... که سخت ترین نوع مدیریت به حساب می آید.

این استان ۱۱۰ نماینده دارد و بیشترین تعداد نمایندگان مجلس را به خود اختصاص داده است و بزرگترین فراکسیون مجلس شورای اسلامی، فراکسیون استان معلمان می باشد. نکته جالب در اینجاست که هر کس در هر کجای ایران کار مهمی انجام می دهد معلمی را نیز از افتخارات خود به حساب می آورد و به شهروندی استان معلمان می بالد تا جایی که امام خمینی (ره) مردم این استان را همکار انبیا

دانستند. همه کارگران و مسئولان و دولتمردان ایران نیز زمانی طولانی شاگردی معلمان این استان را کرده و سفری طولانی به این استان پهناور داشته اند. چنان که اگر کسی در طول عمر خود سفری هر چند کوتاه به این استان نداشته و با مردمان فرهیخته آن حشر و نشر نکرده باشد، بی سواد به حساب آمده و باید الزاما دوره ای را در این استان بگذراند تا باسواد شود.

این استان را اداره می کنند. دولت و مجلس قول هایی برای بهبود وضع این استان به معلمان داده اند که تا کنون به هیچ کدام از آنها عمل نکرده اند. این استان به خاطر اهمیت شغلی، جایگاه معلمی و اجتماعی باید از ابزارهای مهم ارتباطی (اینترنت، جراید، کتابخانه،...) استفاده کند که متاسفانه با وجود این که همه افراد آن فرهنگی هستند اما از فقر بیش از حد

ابزارهای علمی رنج می برد. معلمان این استان از کمترین تعداد وسیله نقلیه، فروشگاه، امکانات رفاهی، بیمارستان و... برخوردارند و هزار البته که چون خیلی فرهنگی و فرهیخته اند هیچ نمی گویند و اعتراضی نمی کنند و یا به قول بعضی نمایندگان اصلا اهل این کارها نیستند!؟!.

معلمان این استان اغلب دو یا سه شغله هستند، تابوتاند زندگی شرافتمندانه خود را اداره نمایند. فرزندان معلمان به علل گوناگون نمی خواهند در این استان زندگی کنند و قصد مهاجرت از این استان را دارند چند سال پیش

ریاست مجلس و نمایندگان قول داده بودند تا در قالب نظام هماهنگ پرداخت زندگی و امکانات این استان را تا حدودی با دیگر استان ها هماهنگ کنند تا معلمان نیز به تعادل نسبی در زندگی دست یابند اما نشد، بعد از مدتی آقای عسگری آزاد که از استان دولت آمده بود قول داد که به جای نظام هماهنگ، لایحه خدمات کشوری را برای بهبود زندگی معلمان به مجلس ارائه



نماید که چند سالی چنین گذشت تا این لایحه به سر و سامانی نسبی رسید و حالا بعد از این همه سال هفته گذشته دولت اعلام کرد که می خواهد لایحه خدمات را پس بگیرد و تا چند سال دیگر معلمان باید با مشکلات فراوان خود بسازند و یا اهل تصوف شده و یا هیات درویش به خود گیرند و زهد پیشه سازند قناعت و ساده زیستی در حد افراط را عملا آموزش دهند و استانی نمونه از لحاظ صرفه جویی و گریز از دنیا و زهد شوند چون معلمی کار انبیاست و انبیا علاوه بر این که فقط برای خدا کار می کنند به فتوی خلیفه ای برای فرزندان شان ارث نمی گذارند!!!

در جلسه ای که بعضی از تشکل های صنفی و سازمان های معلمان در این استان داشتند، تصمیم گرفتند که اگر دولت به این استان توجه نکند، آن ها هم تصمیمی بگیرند و کاری کنند.

البته از این نکته هم نباید غافل شد که آقای رئیس جمهور عدالت طلب فرمودند من مشکلات استان معلمان را می دانم زیرا همسر من در این استان زندگی می کند و خودشان نیز گویا سال ها قبل گرفتاری های ما را داشتند اما مشکل خود را حل کردند!!!

برای برطرف کردن مشکلات این استان راه های زیر را پیشنهاد می کنیم:

- ۱- همترازی حقوق معلمان با استادان دانشگاه
- ۲- اجرای حق همترازی با ارتقای شغلی فوق لیسانس ها و دکترها
- ۳- تصویب نظام معلمی در مجلس مانند نظام پرستاری و مهندسی و...
- ۴- استاندارد شدن مدارس کشور در تمامی ابعاد.
- ۵- اجرایی شدن لایحه مدیریت خدمات کشوری در سال ۱۳۸۶
- ۶- آزادی و بازگشت معلمان تبعیدی این استان به آغوش خانواده

علی اکبر باغانی
دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران

بیانیه تشکل های صنفی فرهنگی ایران درباره پیمان نودینیان

عمل به مصوبات وزارت آموزش و پرورش و پاسداشت روز جهانی معلم و سخنرانی در محوطه بسته آموزش و پرورش سنندج بوده است، تجدیدنظر فرمایند که در غیر این صورت گزارش این ستم نارواریا به اطلاع مردم شریف و عدالت خواه و معلمان کشور خواهد رسید تا براساس عدالت رفتار نمایند.

قدر مسلم این است که پیامد این دستگیری، بازداشت و محرومیت معلمان از حقوق صنفی و شهروندی خود، بر عهده کسانی خواهد بود که عدالت قانون را رعایت نمی کنند و انجام وظیفه در روز ۱۳ مهر؛ روز جهانی معلم؛ را جرم به حساب می آورند.

یادآور می شویم که تاکنون بیش از ۳۰ نفر از اعضای کانون ها و تشکل های صنفی سراسر کشور تبعید، زندانی و بازداشت شده اند.

دبیرخانه تشکل های صنفی فرهنگی کشور (شورای هماهنگی)



مردم عزیز ایران و همکاران فرهنگی دولت های انقلابی نماینده مردمی هستند که در شرایط سخت از کشور دفاع کرده اند و برای حفظ آن از هیچ کوششی دریغ نمی کنند.

براساس آمارهای رسمی منتشر شده، معلمان در طول سه دهه انقلاب اسلامی به عنوان پیش قراولان عرصه جهاد و شهادت از مراجع مورد اعتماد جامعه بوده اند اما پاسخ مجاهدات خود را با بیشترین فشارهای اقتصادی، اجتماعی و قضایی تحمل می کنند و به خاطر پیشرفت و سرفرازی ایران عزیز پیوسته در خدمت دانش آموزان، مردم و نظام اسلامی بوده اند که اجرای انتخابات شوراها آخرین حلقه این خدمت رسانی گسترده بوده است.

با این وجود سالهاست که پاسخ مناسبی به خواسته های برحق معلمان کشور داده نشده و در مقابل به خاطر کمترین اعتراض به ضایع شدن حقوق صنفی و اعتراض به عدم تحقق عدالت اجتماعی و رفع تبعیض

آشکاری که در مورد تأیید اغلب مسئولان کشور می باشد، بازداشت، تبعید و زندانی می شوند که تبعید پیمان نودینیان از معلمان فعال کانون صنفی سنندج به روستای ولیس از توابع شهرستان طارم از آن جمله است.

تشکل های صنفی سراسر کشور از وزارت آموزش و پرورش، مجلس شورای اسلامی، دولت و قوه قضائیه می خواهد که از قوانین دینی، ملی و بین المللی تخطی نمایند و در حکم پیمان نودینیان که جرمش

بیانیه تشکل های صنفی فرهنگی ایران پیرامون لایحه خدمات کشوری



تشکل های صنفی فرهنگی کشور

نزدیک به سه دهه از انقلاب اسلامی ایران می گذرد و هر روز مشکلات اجتماعی، اقتصادی و معیشتی معلمان کشور افزایش می یابد و طبق آمارهای رسمی از فقر نسبی به سوی فقر مطلق نزدیک می شود.

وعده های تحقق نایافته برخی مسئولان کشور، فشارهای اجتماعی، مشکلات قضایی، امنیتی و عمل نکردن برخی مسئولان به قوانین تصویب شده ی نهادهای قانونی کشور، معلمان را با فشارهای روزافزون

دیدگاه های کانون ها و تشکل های معلمان کشور و باتوجه و شناخت معلمان ایران، از نمایندگان مجلس می خواهد تا در اولین فرصت لایحه مدیریت خدمات کشوری را جهت تقدیم به شورای نگهبان و اجرای آن توسط دولت از آغاز سال ۸۶ در دستور کار خود قرار دهند. لازم به ذکر است که در صورت پس گرفته شدن لایحه توسط برخی مسئولان و یا عدم اجرای آن از ابتدای سال ۸۶ پیامد عکس العمل معلمان کشور برعهده کسانی خواهد بود که وعده عمل به این لایحه را از سال ۸۴ و ۸۵ در مجلس و دولت می دادند و هنوز هم با تردید به اجرای آن به معلمان فشار می آورند. تشکل های صنفی فرهنگی ایران از همه معلمان می خواهد آماده اجرا و یا عدم اجرای لایحه توسط دولت باشند تا در صورت لزوم به وظیفه خود عمل نمایند که تحقق اهداف بزرگ جز با همکاری همه معلمان عزیز امکان پذیر نیست و پذیرش شکست های کوچک مقدمه پیروزی بزرگ خواهد بود.

دبیرخانه تشکل های صنفی فرهنگی کشور (شورای هماهنگی)

روحي و ذهنيتهای منفی روبرو ساخته است که پیوسته ناامیدی، سکوت، کم کاری، بی توجهی و مبارزات منفی را در معلمان افزایش می دهد که نشانه ی آن در میلیون ها مردودی، ناکارآمدی آموزش و پرورش و... دیده می شود و کمک های معلمان برای حل بحران های اجتماعی، بزهکاری نوجوانان و جوانان، شیوع بیماری ایدز، اعتیاد، فرار از خانواده ها، افت تحصیلی و... را به حداقل می رساند. تشکل های صنفی فرهنگی ایران اعلام می دارد... سراب ناامیدی فرهنگیان به حقیقتی غیر قابل انکار و پیش بینی، تبدیل خواهد شد که دامنه آن بحران آموزش و پرورش را به نقطه ای خواهد رساند که هزینه ای بسیار برای اصلاح و بازسازی آن پرداخت خواهد شد که عدم تعهد دولت در اجرای نظام هماهنگ پرداخت و تحقق عدالت اجتماعی و استفاده ابزاری و تبلیغاتی از آن در رسانه ها، نمونه ای بارز برای اثبات این تبعیض و بی عدالتی اجتماعی است.

تشکل های صنفی با بیان اعتراض خود به بسته عمل کردن مجلس در اصل ۸۵ و عدم توجه به

مصاحبه ی اختصاصی قلم معلم با حاجی با بایی



سه گروه با نظام هماهنگ مخالف هستند. گروه اول کسانی اند که خبر دقیق و درستی از این طرح ندارند، آنها دلسوزانه دفاع می کنند و می گویند این طرح عملی نمی شود. گروه دوم کسانی هستند که می دانند بار مالی این لایحه سه هزار میلیارد ریال است، اما مخالف هستند و جرات ندارند بگویند ما با نظام هماهنگ پرداخت عادلانه مخالفیم. می گویند این طرح بار مالی دارد. گروه سوم کسانی هستند که در یافتی های بالایی دارند این ها هم باید خود به خود مخالف باشند. بنا بر این حملات سنگینی را شروع کردند. تا این که مجبور شدیم مصاحبه ی مفصلی در شبکه ی دو سیما داشته باشیم و از آنجا این طرح یک بار دیگر به جریان افتاد.

چهارشنبه هفته گذشته جلسه ای با آقای رئیس جمهور داشتیم ایشان نمایندگانی را مشخص کردند. روز دوشنبه هم جلسه ای در مجلس داشتیم در مورد بار مالی به توافق رسیدیم. قرار شد که در سال هشتاد و شش ۱۲در صد را برای همه نداشته باشیم. اصلا نیازی نیست مثلا: کسی که دو میلیون تومان حقوق می گیرد ۱۲درصد حقوقش می شود ۲۴۰هزار تومان. حقوق یک معلم ۲۰۰هزار تومان است ۱۲درصد حقوقش ۲۴هزار تومان می شود. این کار درستی نبود. توافق کردیم که سه هزار میلیارد را در بودجه ۱۳۸۶ لحاظ کنند الان هم حدود ۶۰ نفر از نمایندگان مجلس نامه ای را امضا کردند تا این طرح در دستور کار مجلس قرار گیرد تا مدت زمان اجرای آن مشخص شود.

*** در این لایحه چه امتیازاتی برای فرهنگیان در نظر گرفته شده است؟** البته برای فرهنگیان موقعیت های خوبی در نظر گرفته شده است. ضریب ۱۷۱ آموزش و

هماهنگ کنیم. بالاخره طرحی به نام لایحه ی مدیریت خدمات کشوری در دستور کار دولت قرار گرفت.

جهت آگاهی هر چه بیشتر در خصوص لایحه ی مدیریت خدمات کشوری با آقای حاجی بابایی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی مصاحبه ای ترتیب داده ایم که در پی می آید. *** مدت هاست که در مورد لایحه ی مدیریت خدمات کشوری در رسانه ها مطالب ضد و نقیضی مطرح می شود اگر ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید.**

بحث لایحه ی نظام هماهنگ پرداخت بسیار مهم است. اصلا شروع این بحث از آموزش و پرورش بود. ما از دوره پنجم یک چیزی را پیگیری می کردیم اما بحث نظام هماهنگ نبود بحث ترمیم حقوق معلمان بود. تا اینکه در مجلس ششم جلساتی که با فرهنگیان محترم داشتیم گفتیم این طرح تحت عنوان نظام هماهنگ پرداخت مطرح شود. و در همان دوره مجلس منجر به ارتقای شغلی شد که البته آموزش و پرورش آن را ناقص اجرا کرد.

در مجلس هفتم اولین پیشنهادی که خود بنده مطرح کردم طرح نظام هماهنگ پرداخت بود که دو ماه به دولت مهلت دادیم این کار را انجام دهد البته بیش از یک سال طول کشید بعد از گذشت یک سال طرح را به مجلس آوردند در طول یک سال گذشته مجلس کار سنگینی را پذیرفت کمیسیون مشترک تشکیل شد در کمیسیون مشترک جلسات متفاوتی را با دولت و رئیس جمهور محترم داشتیم. حدود سه ماه قبل حملات شدیدی علیه نظام هماهنگ در کشور شکل گرفت مهمترین موضوع هم بار مالی بود.

حمید پوروثوقی خبرنگار پارلمانی قلم معلم: پس از تصویب لایحه نظام هماهنگ پرداخت در سال ۱۳۷۰ به استناد تبصره چهار ماده یک این قانون دولت مکلف شده است که هر ساله به تناسب تورم و افزایش هزینه زندگی که از طریق بانک مرکزی اعلام می شود، نسبت به افزایش ضریب حقوق سالانه اقدام کند بر این اساس از سال ۱۳۷۰ که عدد ۱۰۰ به عنوان ضریب افزایش حقوق سالانه منظور شده تا سال ۱۳۷۳ همین عدد ثابت بود و از آن سال به بعد تا سال ۱۳۸۰ هر سال عدد ۲۰ به ضریب مذکور اضافه شد و از آن سال به بعد، سالانه عدد ۳۰ به مجموع ضریب پایه پیشنهادی اضافه شد به نحوی که در سال ۱۳۸۴، ضریب به میزان عدد ۳۸۰ به تصویب رسید. سرانجام ضریب از عدد ۳۸۰ به ۴۳۲، یعنی حدود ۵۲ واحد و با افزایش سنواتی به میزان ۱۶ درصد افزایش یافته و به تصویب هیات وزیران رسیده است.

از سال ۱۳۸۰ تاکنون، معلمان با عناوین مختلف: از جمله تحصن، تجمع و... اعتراض و ناراضی خود را نسبت به وجود تبعیض در پرداخت حقوق کارکنان دولت اعلام کرده اند. تا این که دولت مجبور شد در نحوه ی پرداخت ها تجدید نظر کند. آقای خاتمی رئیس جمهور وقت اردیبهشت ۱۳۸۴ گفته بود: « ما گفتیم اصلاح نظام هماهنگ [پرداخت هادری] آموزش و پرورش را سال گذشته تدوین کنیم. آنچه مربوط به آموزش و پرورش می شد، انجام گرفت و به دولت هم آمد. در دولت مطرح شد حالا که این مسأله مطرح شده، آن را عمومی کنیم؛ یعنی فقط [درخصوص] معلم ها نباشد. کل نظام را

که شما در مجلس ششم خیلی داد می زدی، فریاد می زدی چرا حالا داد نمی زنی؟ نیازی نبود داد بزنی. مجلسی ها که راضی هستند، ما باید کسانی را که بیرون مجلس هستند مجاب کنیم، نه داخل مجلس را.

*** به نظر شما آیا لایحه ی مدیریت خدمات کشوری رضایت معلمان را در پی خواهد داشت؟**

رضایت مطلق نیست، نسبی است. ما تلاش کردیم چهره ای از عدالت را در پرداخت نشان دهیم. عرض کردم ما می گوئیم کسانی که از حقوق بالاتری برخوردار هستند نباید حقوق شان اضافه شود. برعکس باید به کسانی که حقوق کمتری دریافت می کنند بیشتر پرداخت شود. به نظر من افزایش حقوق در ابتدایی خیلی بیشتر خواهد بود. در راهنمایی هم همینطور، پشت سرش متوسط خواهد بود. یعنی بیشترین افزایش به آموزش و پرورش و بهداشت و در مان تعلق می گیرد.

پرورش و بهداشت و در مان را شامل می شود اما شامل اعضای هیئت علمی نمی شود. ضریب ۱۷۱ معنایش این است حقوق فرهنگیان و کارکنان بهداشت و در مان از سایر کارکنان دولت که هم سطح هستند ده درصد بیشتر خواهد بود. به همین دلیل فکر می کنم که برای آموزش و پرورش قدم خوبی برداشته ایم.

آموزش و پرورش و بهداشت و در مان را بر اساس اصل ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی، جزو نهاد های حاکمیتی قلمداد کردیم. این نکته خیلی مهمی است، معنایش این است که کارمندان و شاغلین این وزارتخانه ها باید رسمی باشند. شاید در خیلی از وزارت خانه ها، کارمندان پیمانی یا قرار دادی باشند اما معلمان، باید در آموزش و پرورش رسمی باشند. من نمی گویم که این طرح و لایحه اشکال ندارد قطعا اشکال دارد. نمی گویم صد در صد عدالت را اجرا می کند اما گام بلندی برای عدالت است. به دلیل این که در این دو سال خیلی به بنده ایراد می گرفتند

نوآوری؛ محصول آموزش و پرورش پویا

رسیدن به مقام اول علمی در سطح منطقه، یکی از اهداف چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۰ است. آموزش و پرورش در نیل به این هدف، نقش و تأثیر فراوانی دارد. ولی به نظر می رسد آموزش و پرورش کنونی مادر کمک به دستیابی به مقام اول علمی، نیازمند توسعه و تغییر و تحولی است و وضعیت کنونی پاسخگو نیست. دبیر علمی همایش ملی نوآوری های آموزشی با اعلام این موارد می گوید: نوآوری، محصول آموزش و پرورش پویا، ارگانیک و انعطاف پذیر است. لذا باید نظام آموزش و پرورش و ساختار، فرآیند، استراتژی های، فناوری ها، منابع انسانی و... آن در جهت ایجاد و توسعه خلاقیت و نوآوری سازماندهی و برنامه ریزی شود. این همایش، فرآیندی است که این مسئله را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار خواهد داد. دکتر حیدر تورا، اهداف این همایش را این گونه فهرست می کند: تبیین ابعاد نظری نوآوری های آموزشی، شناسایی و معرفی نوآوری های آموزشی و آخرین یافته های پژوهش های انجام شده در این زمینه، شناسایی ساز و کارهای مناسب برای حمایت از نوآوران آموزشی، تبیین روش های اشاعه و گسترش نوآوری ها در آموزش و پرورش با تأکید بر معلمان نوآور، تبیین فرآیند کاربرد نوآوری مرتبط با مأموریت ها و فعالیت های سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در افاق چشم انداز ۲۰ ساله کشور و تبادل تجارب نوآوران آموزشی. وی همچنین با معرفی شش محور ارائه مقاله شامل مبانی نظری نوآوری های آموزشی، نوآوری های آموزشی حاصل از پژوهش های کاربردی، مطالعات تطبیقی، اقدام پژوهی و آینده پژوهی، نوآوری در برنامه درسی، کاربرد نوآوری های آموزشی، توسعه و گسترش نوآوری های آموزشی و عوامل پیش برنده و بازدارنده نوآوری های آموزشی، از بخش ویژه همایش با عنوان ارائه فعالیت های نوآورانه نیز یاد می کند و نوآوری در روش های تدریس، نوآوری در تجهیزات و وسایل کمک آموزشی، نوآوری در مواد آموزشی، نوآوری در استفاده از فناوری، نوآوری در مدیریت زمان برای کلاس درس، نوآوری در شیوه های ارتباطی بین معلمان و دانش آموزان و بین اولیا و مربیان و... را از محورهای این بخش عنوان می کند. دکتر تورا، با اشاره به همکاری بسیاری از استادان دانشگاه ها و کارشناسان آموزش و پرورش با کمیته علمی در زمینه داوری مقالات برگزیده ارائه خواهند شد و هم کارهای نوآورانه معلمان و افزود: در دو روز همایش، هم مقالات برگزیده ارائه خواهند شد و هم کارهای نوآورانه معلمان و شرکت های نوآور در حوزه آموزش و پرورش، در قالب نمایشگاه که در جوار سالن همایش به نمایش گذاشته خواهد شد. از این طریق، هم کارهای نو معرفی خواهند شد و هم اینکه شرکت های تولیدکننده مواد و وسایل آموزشی از جمله شرکت صنایع آموزشی و تجهیز مدارس و یاد دیگر شرکت ها فرصت خواهند داشت با نوآوران ارتباط برقرار کرده و در جهت توسعه و گسترش کار آنان، اقداماتی انجام دهند که این هم به نفع طرفین است و هم فایده آن به آموزش و پرورش و مدارس باز خواهد گشت. در ضمن از ثبت اختراعات هم نمایندگانی حضور خواهند داشت و نوآوران را نسبت به ثبت نوآوری ها راهنمایی می کنند. دکتر تورا، در پایان در پاسخ به سؤالی که حمایت از نوآوری ها و نوآوران، می گوید: در حال تدوین نظام نامه حمایت حقوقی از نوآوران هستیم و انجمن علمی نوآوری های آموزشی که یک انجمن غیر دولتی است، در آستانه تصویب است. همچنین دبیرخانه همایش نوآوری های آموزشی به کار خود ادامه خواهد داد و ضمن پیگیری اهداف همایش، برای اجرای همایش دوم در سال آینده، برنامه ریزی خواهد داشت. ضمناً مشخصات همه نوآوران آموزشی که الحمدلله از سراسر کشور استقبال کرده اند، در بانک اطلاعات موسسه نگهداری شده و تعامل فکری و کاری با آنان به طور مستمر برقرار خواهد بود.

معلم فداکار لرستانی: خوشحالم که ۲۳ فرزندم

سالم هستند

احساس کردم که اگر جلوی راه را بگیرم بخاری آتش می گیرد. سعی کردم باک را جدا کنم نشد به همین دلیل بخاری را بلند کردم که در بین راه باک بخاری منفجر شد.

تصمیم گیری در آن لحظه برای شما چگونه بود؟

من به هیچ چیز فکر نمی کردم جز سلامت دانش آموزان کلاس. نمی خواستم جان آنها در خطر بیافتد. به همین دلیل به سرعت بخاری را از کلاس بیرون آوردم.

از چه ناحیه هایی آسیب دیدید؟

دست و صورتم دچار سوختگی شده است. درصد سوختگی در کل ۲۰ درصد است.

دانش آموزان کلاس چی؟ آنها هم صدمه دیدند؟

خوشبختانه همه سالم هستند. باک در بین مسیر منفجر شد اما من آن را اول نکردم و از کلاس کاملاً خارج شدم.

چند تا دانش آموز در کلاستان درس می خوانند؟

مدرسه ما تنها یک کلاس دارد که ۲۳ دانش آموز در پایه های مختلف در آن تحصیل می کنند. در حقیقت تمام دانش آموزان مدرسه در آن کلاس بودند.

قبلا هم برای بخاری کلاس مشکلی پیش آمده بود؟

بله اما خوب به این شدت نبود. بخاری های نفتی چکه ای حادثه زیاد دارند اما تاکنون به خیر گذشته بود البته این بار هم به خیر گذشت.

خبرگزاری فارس: "مرتضی داوری" معلم آسیب دیده در حادثه آتش گرفتن بخاری در مدرسه روستای المنی استان لرستان که با فداکاری و آسیب دیدن صورت و دستش از وقوع حادثه ای تلخ جلوگیری کرده است، می گوید: آسیب من مهم نیست؛ خوشحالم که ۲۳ فرزندم سالم هستند. به گزارش خبرنگار اجتماعی فارس، دوشنبه هفته گذشته مدیر آموزگار دبستان روستای المنی شهرستان نور آباد استان لرستان متوجه می شود که بخاری نفتی کلاس در وضعیت مناسبی نیست و در حال آتش گرفتن است. وی قبل از آنکه بخاری آتش بگیرد به سرعت بخاری را بلند کرده و از کلاس بیرون می برد که در بین راه باک نفت بخاری منفجر شده و صورت و دست این معلم فداکار دچار سوختگی می شود.

داوری ۴۰ سال سن دارد و با مدرک کاردانی ابتدایی دارای ۲۰ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش است. او هنوز به دلیل جراحات ناشی از حادثه آتش سوزی در بستر است و فعلاً تدریس نمی کند.

با این معلم فداکار گفت و گویی کردیم که به شرح زیر است:

آقای داوری از روز حادثه بگوئید چه شد که بخاری نفتی کلاس آتش گرفت؟

بخاری کلاس نفتی چکه ای بود. باک این بخاری ها در کنار یا پشتشان است که به رگم تنظیم میزان نفت، گاهی اوقات نفت زیاد یا کم به مخزن بخاری وارد می شود. آنروز نفت زیادی در حال ریزش به بخاری بود و

فاصله
طبقاتی و
معلم

خطر آسیب
حنجره در
کمین معلمان
مدارس

به
یاد
بابک بیات

نوآوری؛
محصول آموزش
و پرورش پویا

مصاحبه اختصاصی قلم معلم با حاج بابایی

صفحه ۷

نماینده مجلس:

ناهماهنگی حقوق بازنشستگان با افزایش تورم در ۲۵ سال گذشته

صفحه ۲

بیانیه تشکل های صنفی فرهنگیان ایران پیرامون لایحه خدمات کشوری

صفحه ۷



تکذیب آتش سوزی
در مدرسه
روستای «المنی»

۲

استرس چیست؟



۴



بیانیه تشکل های
صنفی فرهنگیان ایران
درباره پیمان نودینیان

۷

معلمان: آقای
رئیس جمهور به
استان ما هم بیایید!



۷

سرمقاله

طرح مبارزه با فقر با محور ریشه های تبعیض

رانت و رشوه می بلعند و بخش عمده ای از بودجه های عمرانی و تولیدی را در دستگاه های غیر مرتبط هزینه می کنند. مبارزه جدی با تبعیض و بی عدالتی و ریشه های آن نیاز به تغییر جدی در مدیریت ها و سیاستگذاری های کلان کشورهای توسعه نیافته دارد و از پیش شرط آن مبارزه با فقر عمومی است. تا زمانی که چنین اندیشه ای نباشد طرح مبارزه با تبعیض و بی عدالتی در عمل به ضد خود تبدیل خواهد شد و در خدمت زرانندوزان و مال اندوزان قرار می گیرد. نگرانی بخش عمده ای از مردم کشورهای فقیر و توسعه نیافته از این است که مبادا امکانات و اعتبارات کشورشان به بهانه ی مبارزه با تبعیض و بی عدالتی به طرح مبارزه فقرا و مستمندان تبدیل گردد و در خدمت متمولان قرار گیرد. البته جبران این صدمات در این کشورها مقدور خواهد بود به شرطی که اراده ی عمومی و عزم ملی برای یافتن ریشه های ناهنجاری ها و مبارزه با تبعیض از طریق حضور در تشکل های صنفی غیر دولتی و مشارکت عمومی و همچنین حضور کارشناسان خبره که خود درد فقر را کشیده باشند و مراکز علمی و تخصصی می تواند این مشکل را کاهش دهند و بارشده فرهنگ تولید و توسعه ی بومی و روحیه ی نوع دوستی در بین اقشار مردم فقر راریشه کن نمایند.

محمد خاکساری
Khaksari902@yahoo.co

مبارزه با تبعیض و نابرابری از پیش شرط های مبارزه جدی با فقر است. متأسفانه برخی طراحان مبارزه با فقر خود از مرفه ترین اقشار جامعه هستند. پایه اصلی مبارزه با فقر در کشورهای توسعه نیافته به صورت مبارزه با تبعیض و نابرابری بوده است و ثروتمندان عده ای هستند که ثروت و درآمدهای ملی و سرمایه های داخلی را در اختیار دارند. اصولاً مبارزه اجتماعی در کشورهای توسعه نیافته مبارزه با مفاسد اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی بوده است. در جوامع بشری تبعیض و بی عدالتی همواره عملی ضد انسانی و ضد ارزش می باشد. سیاست برخی از مسئولان کشورهای توسعه نیافته و نتیجه ی عملکردشان عملاً مردم را به سمت فقر عمومی سوق می دهد. رشد فرهنگ دلالی، گسترش مشاغل غیرتولیدی موجب افزایش و گسترش بیکاری و شکاف طبقاتی و عدم رغبت عمومی نسبت به کار و تلاش حاکی از این مسئله است. سیاستگذاران و برنامه ریزان طرح منطقی و عملی برای مبارزه با ریشه های تبعیض و بی عدالتی ندارند و بسیاری از بودجه ها در درون چاله ها و چاه های ویل تلف می شوند. یکی از خواسته های به حق و اساسی مردم کشورهای توسعه نیافته و فقیر مبارزه جدی با مفت خورها و انگل ها و گردن کلفت هاست، که از درون آن ها سرمایه داری لجام گسیخته بیرون می آید. تمام امکانات در اختیار افراد خاصی قرار می گیرد که سرمایه های ملی را با استفاده از

خدمات کامپیوتری مجد

تایپ، پرینت، اسکن، صحافی، کپی

آدرس: میدان انقلاب، روبروی سینما بهمن تالار بزرگ کتاب،

طبقه زیر همکف واحد ۴۵- تلفن: ۶۶۴۸۸۶۲۱

آموزش تئاتر، قرآن (قرائت، صوت و لحن) اذعان دانش آموزی

جهت مسابقات منطقه ای و استان توسط سیدرضا فاطمی دبیر

منطقه ۲ تهران دارای رتبه های برتر منطقه و استان

تلفن: ۵۵۷۸۳۳۱۵



تهیه و توزیع انواع غذاهای ایرانی و فرنگی

آماره ی ارائه ی خدمات به ادارات، شرکت ها و مدارس

خصوصی و دولتی در جشنها و مهمانی ها

و همچنین تهیه ی غذای روزانه ی پرسنل با کیفیت عالی و بهره مندی از مواد مصرفی درجه ی یک

قابل توجه فرهنگیان عزیز:

شما میتوانید با خیالی آسوده سفارشات مهمانی ها و مجالس خود را با انتخاب منوی دلخواه به ما بسپارید

با چک کارمندی

به صورت اقساط

تلفن سفارشات: ۷۷۵۵۷۷۷۶ - ۸۸۴۴۲۸۷۱

تلفن های مدیری: ۰۹۱۲۴۲۲۵۱۴۹ - ۰۹۱۲۳۵۰۳۱۴۹



تشکل های صنفی معلمان

تاریخچه اعلام موجودیت تشکل های صنفی معلمان

شانزدهمین بیانیه گیلان مرداد ۸۳ تشکل های صنفی سراسر ایران در گردهمایی مسجد مجلس شورای اسلامی ۸۳/۴/۲۸ که موضوع جلسه آزادی بهشتی لنگرودی دبیر کل و علی اصغر ذاتی عضو هیئت مدیره و سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران بود، خواستار توقف احضارها و منع تعقیب امنیتی فعالان صنفی شدند.

طبق درخواست کانون های صنفی فرهنگیان در گردهمایی گذشته و طبق اساسنامه همایش تشکلهای صنفی، گردهمایی سالیانه تشکل ها در مرداد و شهریور هر سال انجام می گیرد. پس از پانزدهمین همایش تشکل های صنفی فشارهای روانی و شغلی بر فعالان تشکل ها وارد آمد تا به روش های گوناگون مانع برگزاری گردهمایی مرداد ماه در گیلان شوند. از آن جایی که تشکل های صنفی برای احقاق حقوق صنفی معلمان پایداری و ایستادگی می کردند، برخی از مسئولان آموزش و پرورش مشاهده کردند فشار و تهدیدها نتیجه ای ندارد. چند روز قبل از برگزاری گردهمایی نه نفر از فعالان صنفی گیلان را دستگیر کردند تا گردهمایی انجام نگیرد. یکی از فعالان صنفی به تشکل ها تلفن زد و گفت من حاضریم در منزل شخصی یا هر جای دیگر گردهمایی را برگزار کنم. پس از تماس تلفنی این فعال صنفی نیز دستگیر شد. به هر حال تشکل های صنفی تصمیم گرفتند اگر آموزش و پرورش مکانی جهت برگزاری جلسه در اختیار تشکل ها قرار ندهد در یکی از پارک های شهر رشت گردهمایی را برگزار نمایند. ارتباط تلفنی توسط فعالان تشکل ها صورت گرفت و قرار شد جلسه را در پارک بوستان ملت برگزار کنند. از اولین تشکل هایی که در رشت حضور پیدا کردند حینی شهر و اردبیل بودند که پس از برگزاری گردهمایی هزینه های سنگین اجتماعی و مالی پرداخت نمودند. بالاخره تشکل ها در پارک بوستان ملت زیراندازهای شخصی را پهن کرده و جلسه را با تلاوت قرآن آغاز نمودند. مسئولان آموزش و پرورش کنترل پارک را بر عهده داشتند. پس از شروع جلسه یکی از مسئولان آموزش و پرورش وارد جلسه شد و نام یکی از فعالان صنفی را آورد و با صدای بلند گفت: ... کیست؟ تمام تشکل های صنفی یکپارچه به پا خاستند و گفتند: ما ... هستیم. با او چه کار دارید؟ آن شخص وقتی عکس العمل فعال تشکل ها را مشاهده کرد اعلام نمود که تصمیم دارم مذاکره کنم و قصد دیگری ندارم. تشکل ها اعلام کردند ما آماده مذاکره هستیم در اینجافرد تصمیم نمی گیرد بلکه تصمیم جمعی است. با بحث و گفته شد در سازمان آموزش و پرورش و با حضور مسئول سازمان گیلان جلسه ای تشکیل شود. حدود یک ساعت بعد جلسه در محل سازمان برگزار شد. علاوه بر رئیس سازمان برخی از مسئولان آموزش و

تشکل های صنفی معلمان

پرورش گیلان نیز حضور داشتند. پس از سخنرانی مقدماتی رئیس سازمان، نمایندگان تشکل ها به بیان سئوالات خود از مسئول سزمتن پرداختند. یکی از تشکل ها اظهار کرد آیا دستور اسلامی است که از مهمان اینگونه پذیرائی کنید؟! مگر ما معلم نیستیم؟! نماینده دیگری از تشکلها گفت: فکر نکنید که شما انقلاب را دوست دارید ما بیشتر از شما انقلاب را دوست داریم. ما بدون هیچ چشم داشتی بیشتر از شما از آموزش و پرورش و حقوق معلمان دفاع می کنیم. روش شما نه تنها به آموزش و پرورش کمک نمی کند بلکه به آن صدمه هم می زند. سخنان پر شور و هیجان این نماینده صنفی آنچنان فضا را تحت تاثیر قرار داد که تشکل های صنفی حاضر به نشانه تأیید سخنان او کف زدند این عمل مورد اعتراض یکی از معاونان حفاظت سازمان قرار گرفت. پس از بحث و گفت و گوی طولانی که تا ظهر طول کشید مسئول سازمان برای پذیرائی مهمانان برای نهار ظهر از یکی از مسئولان سازمان اجازه گرفت و گفت: آیا از آنها نهار پذیرائی شود یا خیر؟! فرد مسئول که قبلا مورد اعتراض شدید تشکل ها قرار گرفت بود موافقت نکرد و تشکل ها نهار را با همکاری تعدادی از اعضای کانون صنفی فرهنگیان گیلان صرف کردند. برای اسکان همکاران یکی از تشکل های صنفی که همراه با خانواده هایشان به رشت آمده بودند پیش بینی چنین وضعی را نموده بودند و چون تابستان بود چند کلاس را در مدرسه ای اجاره کرده بودند! تشکل های صنفی در همان مدرسه که جنب آموزش و پرورش بود اسکان یافتند پس از صرف نهار جلسه تشکل های صنفی تشکیل گردید، از زمان شروع جلسه رفت و آمد در آن مدرسه تحت کنترل در آمد! هیچ کدام از اعضای تشکل ها حق ورود یا خروج از آنجا را نداشتند! حتی به تعدادی از تشکل های شهرستانها اجازه ورود به جلسه را ندادند. بالاخره پس از حدود ۲ ساعت بحث و گفت و گو بیانیه ای در فضای امنیتی صادر شد. بارها در تاریخچه تشکل ها آمده است که هر گاه تشکل های صنفی معلمان مورد تهدید، ارباب و فشار قرار گرفته اند مصوبات بیانیه بسیار شدید تر و محکم تر صادر شده است. این تجربه ای است برای برخی از مسئولان که فکر می کنند با تهدید، ارباب و دستگیری تشکل ها می توانند اراده و پیگیری تشکل ها را تضعیف کنند. مشاهده شده است که هرگاه تعامل و گفت و گو بین تشکل های صنفی و مسئولان آموزش و پرورش و نمایندگان مجلس برقرار بوده است، نتیجه خوبی چون تصویب متمم بودجه آموزش و پرورش در اسفند ۸۴ را در مجلس به همراه داشته است. متأسفانه تفکر برخی از مسئولان آموزش و پرورش این است که تشکل های صنفی در حاشیه هستند. تشکل های صنفی حدود ۷ سال سابقه دارند و در رگ و پی معلمان ریشه دوانده اند. با پرهیز از هر گونه سیاست زدگی و حزب گرایی از مسئولان می خواهیم در جهت تحقق خواسته های صنفی تشکل ها

تهران

همکاری نمایند تا شعار عدالت محوری و مهرورزی دولت تحقق یابد. تشکل ها طی ۷ سال فعالیت خود نشان داده اند که وابستگی حزبی ندارند و این مسأله در ماده ۷ اساسنامه تشکل های صنفی موجود است. اگر برخی مسئولان اتهام سیاسی بودن به این تشکلها می زنند در اصل می خواهند روی خواسته های صنفی تشکل ها سرپوش گذاشته و صورت مسأله را پاک کنند! سرانجام بیانیه زیر صادر شد بیانیه ای که برخی مسئولان بسیار تلاش کردند که منتشر نشود بالاخره پس از یک هفته با زیرکی خاص یکی از تشکل ها بیانیه منتشر شد هر چند فعالان «تشکل هزینه های هنگفت مادی و معنوی در این راه پرداختند. اجرشان با خدا.

به نام خدای قلم و تعلیم بیانیه پایانی همایش تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور مرداد ۸۳ گیلان

همکاران گرامی، فرهنگیان فرهیخته حاصل فراموشی تعلیم و تربیت فقط تیرگی فضای فرهنگی و آموزشی نبود بلکه بیم آن می رفت که فرهنگ و فرهنگیان نسبت به تبعیض ها و بی عدالتی ها کرخت شده باشند و زنگ حق خواهی از زنگار سکوت، دیگر به صدا در نیاید و حجب و ایثار در مرداب رکود و سکون تعفن بگیرد و فاسد شود و زندان گمان برند که به پایان رسید کار مغان.

اما هرگز چنین نبود؛ در تنه سخت و خشکیده درختان، حیات در جریان بود؛ جوانه ها زدن و شکوفه ها شکفتند و نرم نرمک به حاصل نشستند بطوریکه «عجب الکفار نباته». گوشههایی که میل به شنیدن و چشمههایی که تمایل به دیدن نداشتند به اذعان و اعتراف و اظهار شگفتی در آمدند، اما افسوس که زبان و عمل همراه نبودند و در «هزار تو»ها داستانهایی دیگر بود.

اصرار بر اجرای طرح پر ایراد و اشتباه «ارتقاء شغلی» که خود موجب نارضایتی شغلی شده است؛ عدم وجود یک تعامل معقول و منطقی با تشکلهای صنفی و خواسته های بحق فرهنگیان «در رفع تبعیض و اجرای عدالت» عدم وجود برنامه ای کارآمد برای بهبود وضع تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم، نگاه به آموزش و پرورش بعنوان بخش مصرفی و غیر مولد، عدم وجود اراده ای راسخ برای تغییرات مطلوب، دستگیری دسته جمعی میزبانان نشست مرداد ماه همراه با ارباب نمایندگان تشکلهای صنفی که در کلاسهای یکی از مدارس رشت اسکان یافته و سپس در همان جاحسب شده بودند و ... همه و همه داستان هزارتوهای وزارت خانه ای است که عمق تاریک آن را با هیچ منبع نوری نمی توان دید.

نمایندگان شما علیرغم تمام تنگناها که خود شرح مفصلی دارد و در شرایطی نا هنجار در گیلان گرد هم آمدند و پس از بحث و تبادل نظر موارد ذیل را به تصویب رساندند:

تهران

۲- حضور در مدارس و عدم حضور در کلاس از ۱۴ تا ۲۱ مهرماه ۸۳

۳- تداوم تجمع یکشنبه ها در مقابل سازمانها و ادارات آموزش و پرورش تا توقف احضارها و آزادی همکاران دستگیر شده

۴- ارائه کلیه خدمات و حقوق تعریف شده در قانون به فرهنگیان مانند سایر کارکنان دولت (طبق ماده ۴۱)

۵- حضور در مدارس و عدم حضور در کلاس در روزهای ۱۶ آبان و ۱۵ آذر

۶- استخدام معلمان حق التدریس ۷- توقف پخش اخبار کذب توسط صدا و سیما در مورد فرهنگیان در خاتمه تشکلهای صنفی آمادگی خود را جهت هرگونه مذاکره و تعامل برای حل معضلات فرهنگ و داشته و امیدوارند که متولیان امر با دور اندیشی و حسن نظر به پیشنهاد تشکلها نگریده، با فرهنگیان باب دوستی بگشایند تا در سایه آن از پرداخت هرگونه هزینه مادی و معنوی غیر ضروری جلوگیری گردد.

ضمناً هیچ تشکلی به تنهایی حق لغو بلکه بیم آن می رفت که فرهنگ و فرهنگیان نسبت به تبعیض ها و بی عدالتی ها کرخت شده باشند و زنگ حق خواهی از زنگار سکوت، دیگر به صدا در نیاید و حجب و ایثار در مرداب رکود و سکون تعفن بگیرد و فاسد شود و زندان گمان برند که به پایان رسید کار مغان.

تصمیمات بعدی در گردهمایی بهمن ماه در مشهد مقدس گرفته خواهد شد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) - کانون صنفی فرهنگیان یزد - کانون فرهنگیان استان اصفهان - کانون صنفی معلمان کرمانشاه - کانون صنفی معلمان اردبیل - کانون صنفی فرهنگیان خراسان - کانون صنفی معلمان ارومیه - کانون صنفی معلمان کاشان - کانون معلمان همدان - کانون صنفی فرهنگیان خمینی شهر - کانون صنفی فرهنگیان شهرضا - کانون صنفی فرهنگیان تبریز - جامعه فرهنگیان آستانه اشرفیه - جامعه فرهنگیان الیگودرز - کانون فرهنگیان شیراز - انجمن صنفی استان چهارمحال بختیاری - کانون معلمان لاله جین - کانون فرهنگیان گیلان (رشت) - انجمن صنفی فرهنگیان بجنورد و کانونهای صنفی فرهنگیان کردستان، کهگیلویه و بویر احمد، مشهد و گلستان که از حضور آنها در جلسه جلوگیری شد.

رفتار صدام با مخالفان صنفی

نقش نیروی امنیتی صدام در سرکوب تجمعات افشار مختلف به خصوص تشکل های صنفی عامه نمایان شد و هر اعتراض را با تمام قدرت با دستگاه های امنیتی و پلیسی خود سرکوب می کرد. ایجاد حفاظت در هر مؤسسه دولتی و شناخت افراد مؤثر و کارآمد تشکل ها و مخالفان در همان منطقه و

رفتار صدام با مخالفان صنفی

سرکوب کردن آن ها، ماموریت بازرسی از خانه و دستگیری و به زندان انداختن افراد مؤثر صنفی جهت جلوگیری از رشد و تکامل صنفی، شنستشوی مغزی کودکان دانش آموزان از کودکان دبیرستان، گنجاندن مطالب قومی و ناسیونالیستی، تعریف و تمجید از خود در کتاب های درسی و خواندن سرود های هیجان انگیز که کودکان را تحت تاثیر قرار دهد کنترل کلیه اماکن و محل زندگی افراد فعال (خانواده فامیل همکاران اداری و شغلی) بهترین زنجیره برای شناخت و دستگیری مخالفان خود بود. به طور کلی کوشش می کرد از همه ی مردم جاسوس بسازد و سیستم امنیتی خود را در همه جا رواج می داد و تبلیغ می کرد تا جو پلیسی و عدم اعتماد در بین تشکل های صنفی ایجاد گردد نقاط ضعف و قوت تشکل های صنفی را شناسایی و در آن ها نفوذ می کرد. حتی با به دست گرفتن مسئولیت در تشکل های صنفی به منظور به دست آوردن مدارک و اطلاعات خاص و حائز اهمیت و ایجاد انشعاب و تقویت اختلاف بین تشکل های صنفی و گرداندگان آن به منظور تضعیف نیرو و بی اعتبار کردن آن ها انجام می داد. او حتی عوامل خود را به عنوان یک فعال صنفی و صاحب ثنوری در سطوح مختلف تشکل های صنفی روانه می کرد و اگر نقطه ضعفی از یکی از فعالان صنفی مشاهده می کردند از این نقطه ضعف وارد شده و برای فریب و گرفتن قول همکاری به حربه تهدید و تطمیع متوسل می شدند. نیروی امنیتی صدام پیوسته کوشش داشت با بزرگ نمایی قدرت امنیتی خود، کابوس پلیسی را بر افکار و اذهان تبلیغ کند. به این ترتیب سوء ظن و گسترش عدم اعتماد بین تشکل های صنفی ایجاد کرد تا به آن ها بقبولاند که پلیس امنیتی از همه حوادث آگاه است و فعالان صنفی رازیر نظر دارد. دامنه کنترل خود را حتی تا جنبه های زندگانی اجتماعی فعالان صنفی گسترش داد. از ازدواج تا مجلس فاتحه و استخدام در قلمرو و کنترل نیروی امنیتی قرار گرفت. مسائل فوق موارد کوچکی از رفتارهای سازمان امنیتی صدام علیه مخالفان او بود. با تمام این ابزارها و قدرت نمایی ها، حمله به ایران و کویت سرانجام رژیم او در ۱۵ روز از هم پاشید و بالاخره اعدام گردید.

ازروستای ولیس تقدیم به آقای خاکساری و خانم دارابی

قصه دریا اینگونه آغاز شد. با هم بودن، در هم آمیختن و رفتن، پیوستگی و سرشار شدن از زندگی از بودن و برای همیشه بودن. من و شما به کوچکترین ماهیان هم عشق ورزیدیم و این بود قصه ما. بر خود لازم می دانم از تمامی همکاران و تشکل هایی که صمیمانه و با نهایت احساس مسئولیت در این شرایط سخت به کمک من و خانواده ام شتافتند و مرا در تحمل این وضعیت با ارسال ایمیل و یا تلفن یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایم. در این میان نقش جناب آقای خاکساری به عنوان مدیر مسئول قلم و سردبیر محترم سرکار خانم ثریا دارابی بسیار ارزنده است. ایشان علاوه بر همراهی لحظه به لحظه، وظیفه اطلاع رسانی را آنگونه که شایسته است به انجام رساندند. پس دوباره دست همه همکاران و فعالان صنفی را به گرمی می فشارم، پیروز باشید. پیمان نودینیان روستای ولیس Pnodiny@yahoo.com

پیمان نودینیان در روستای ولیس

شوری بی مانند به هم می بافد. هیچ انسانی از غصه تنهایی نمی میرد. چون قلم تو به حرکت می آید. هزاران رنگین کمان بر آسمان آبی آویخته می شود. آنجا دیگر تویی نه کوهرستان، نه کولاک، نه کوردل ترین شبها. چون دستان تو به جستجوی دستان دیگر بر می خیزد، هیچ راهی متروک و دور افتاده نیست.

هزاران پل نگاه هایمان را با داستان قلم تو و دلنگنی ما را کوه ها از بر دارند. نه دریا، نه باران، نه دل انگیزترین روزها. آنجا دیگر تویی گستره ی نامتناهی انسان گستره ی نامتناهی انسان.

ازروستای ولیس تقدیم به آقای خاکساری و خانم دارابی

قصه دریا اینگونه آغاز شد. با هم بودن، در هم آمیختن و رفتن، پیوستگی و سرشار شدن از زندگی از بودن و برای همیشه بودن. من و شما به کوچکترین ماهیان هم عشق ورزیدیم و این بود قصه ما. بر خود لازم می دانم از تمامی همکاران و تشکل هایی که صمیمانه و با نهایت احساس مسئولیت در این شرایط سخت به کمک من و خانواده ام شتافتند و مرا در تحمل این وضعیت با ارسال ایمیل و یا تلفن یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایم. در این میان نقش جناب آقای خاکساری به عنوان مدیر مسئول قلم و سردبیر محترم سرکار خانم ثریا دارابی بسیار ارزنده است. ایشان علاوه بر همراهی لحظه به لحظه، وظیفه اطلاع رسانی را آنگونه که شایسته است به انجام رساندند. پس دوباره دست همه همکاران و فعالان صنفی را به گرمی می فشارم، پیروز باشید. پیمان نودینیان روستای ولیس Pnodiny@yahoo.com

هفته نامه قلم معلم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صاحب امتیاز و مدیر مسئول محمد خاکساری سردبیر: ثریا دارابی مدیر اجرایی: علیرضا اکبری زیر نظر هیات تحریریه تلفکس: ۲۲۷۳۹۷۵۵ همراه: ۰۹۱۲۱۰۹۰۲۹۳ صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۳۵۴۳ چاپ: نشر و چاپ تهران email: g-moallem@yahoo.com www.ghalamemoallem902.blogfa.com